

شیطان و تسخیر قلب انسان/ علت حواس پرتی در نماز

آیت الله جاودان علت حواس پرتی در نماز را انجام اعمال نامربوط در طول روز دانستند و گفتند: شیطان تمام تلاش برای تسخیر قلب انسان و بی ایمان کردنش است.

بسم رب المهدی(عج)

به گزارش پایگاه اینترنتی دست نوشته های معارفی امیرمحسن سلطان احمدی سیرجانی ([سلطان احمدی دات آی آر](#)): جلسه هفتگی سخنرانی حضرت آیت الله استاد شیخ محمد علی جاودان(حفظه الله) طبق روال چهارشنبه ها، چهارشنبه دوم اسفندماه ۱۳۹۷ در حسینیه پدربزرگشان مرحوم شیخ مرتضی زاهد(ره) برگزار شد و توفیق نصیب این حقیر نیز گردید تا از محضر این عالم عامل بهره مند شوم.

حضرت استاد در این جلسه درباره وسوسه شیطان در تسخیر کردن مرکز فرماندهی انسان، چگونگی رسیدن به لذت در نماز و علت حواس پرتی در نماز، و همچنین آثار انجام اعمال نامربوط افاضاتی نمودند.

همچنین در پایان سخنانشان به توجه به سالروز وفات حضرت ام البنین(س)، نکته ای از فضل خدا نسبت به این بانوی بزرگوار بیان کردند.

اینک ضمن آرزوی عاقبت بخیری و طول عمر همراه با صحت و سلامت برای حضرت آیت الله جاودان، در ادامه گزیده یادداشت هایم از بیانات معظم له در این جلسه را تقدیم شما معارف جویان عزیز که امکان شرکت در این جلسه را نداشتند، می نمایم.



گزیده بیانات آیت الله جاودان در این جلسه به شرح زیر است:

آیت الله جاودان با بیان اینکه نماز لذت بخش است، گفت: من نماز می خوانم شما هم نماز می خوانید و فکر بی خودی هم نمی خواهید در ذهنتان موقع نماز بیاید، اگر هم در نماز حواس شما جمع است و چیزی به ذهنتان نمی آید، این نماز تازه شروع یک لذت است و نمازی لذت بخش است.

رسیدن به لذت در نماز

وی ادامه داد: جنس لذت نماز با هیچ لذت دیگری قابل مقایسه و عوض کردن نیست و این قدر لذت نماز برای شما لذت بخش خواهد شد، که هرگز این لذت نماز را با هیچ لذتی عوض نمی کنید و حتی راضی به عوض کردن آن هم نیستید، حتی یک رکعت از این نماز لذت بخش را با هیچ چیز دیگری عوض نمی کنید.

مقدمه رسیدن به لذت در نماز

آیت الله جاودان با بیان اینکه چگونه به این لذت در نماز برسیم، اظهار کرد: حالا مقدمه رسیدن به این لذت در نماز این است که انسان موقع نماز خواندن حواسش جمع باشد و در ذهنش خطوراتی ایجاد نشود.

شیطان مخالف نماز و حمله او به مرکز فرماندهی وجود انسان ها

این استاد اخلاق شهر تهران با اشاره به تلاش شیطان جهت تسخیر مرکز فرماندهی وجود انسان و بی ایمان کردن او گفت: شیطان دشمن قسم

خورده انسان است و او نمی خواهد ما در نماز حواسمان جمع باشد. اصلاً شیطان از نماز خواندن ما خوشش نمی آید و می خواهد که ما نماز نخوانیم. برای اینکه ما نماز نخوان بشویم شیطان به مرکز فرماندهی وجود انسان حمله می کند و آن را تسخیر می کند. و اگر این مرکز تصرف شد شما هر چه بکوشید در نماز حواستان جمع باشد، دیگر نمی توانید.

وی ادامه داد: اما این مرکز فرماندهی وجود انسان کجاست که شیطان قصد تصرف آن را دارد؟

آیت الله جاودان به نمونه ای از فعالیت های مرکز فرماندهی وجود انسان اشاره و گفت: این حواس انسان در یکی از مناطق این مرکز فرماندهی است، این مرکز فرماندهی به چشم دستور می دهد که ببیند، یا به دهان دستور می دهد که باز شود، یا به پا دستور می دهد، راه برود. حالا شیطان اگر این مرکز فرماندهی را تسخیر کند، دیگر شما هر چه بکوشید نمی توانید در نماز حواس خود را جمع کنید، دیگر مرکز فرماندهی وجودتان در دست شیطان است و شیطان شما را اداره می کند.

نیاز شیطان به تغذیه جهت باقی ماندن در مرکز فرماندهی انسان

این استاد حوزوی به نیاز شیطان جهت ادامه حیات در این مرکز فرماندهی اشاره و بیان کرد: حالا شیطان در این مرکز فرماندهی که تصرف کرده نیاز به غذا دارد و به اصطلاح عامیانه شما خودتان حتی آب و دان شیطان را هم تهیه می کنید تا او بتواند در این مرکز فرماندهی بماند و زندگی کند.

وی ادامه داد: بنابراین وقتی آب و دان شیطان را هم تهیه کردید، شیطان در این مرکز فرماندهی شما زندگی هم می کند و می ماند، اما اگر آب و دان به شیطان نرسد، این دشمن ضعیف می شود و دست بر می دارد و مرکز فرماندهی وجود شما را ترک می کند و گرنه می ماند و همه نقشه هایش را اجرا می کند.

تمام تلاش شیطان برای بی ایمان کردن انسان

شاگرد مرحوم آیت الله حق شناس(ره) به هدف مهم شیطان اشاره و گفت: تمام تلاش شیطان این است که لحظه آخر حیات انسان کاری کند که این انسان بی ایمان و غیرمسلمان از دنیا برود. هر چند همه لحظات وجود انسان را می خواهد که خراب کند اما لحظه آخر حیات انسان

برای او خیلی مهم است که انسان بی ایمان از دنیا بمیرد و گوهر اصلی انسان را در لحظه آخر از او بگیرد.

وجود ایمان در تمام اعضا و جوارح انسان

وی با اشاره به روایتی از امام صادق(ع) اظهار کرد: روایت از امام صادق(ع) است که حضرت فرمودند ایمان در تمام اعضا و جوارح انسان پخش شده است. حالا وای اگر انسان بی ایمان از دنیا برود.

پرهیز از نگاه حرام از نشانه های ایمان چشم

آیت الله جاودان به وجود ایمان در تمام اعضا و جوارح انسان اشاره و گفت: اگر در دست من ایمان باشد، من به هر نامحرمی دست نمی دهم و به مال مردم دست نمی زنم و با دستم امضا ناحق نمی کنم، یا اینکه اگر در چشم من ایمان باشد من به جای بد و حرام نگاه نمی کنم و دیگر چشمم خیانت نمی کند. اینها نمونه ای از ایمان اعضای بدن است.

پاکانی که چشمشان بر دیدن مناظر آلوده بسته می شود

وی افزود: دوستی داشتیم می گفت یک وقت برای من یک منظره بد و گناه پیش آمد اما چشم من بسته شد و من آن منظره را ندیدم. حالا چرا چشم ما بسته نمی شود و هر منظره ای را می بینیم؟

این استاد حوزوی خاطر نشان کرد: این مرکز فرماندهی وجود انسان همه اعضا و جوارح او را مدیریت و اداره می کند، به شرطی که در این مرکز ایمان به حد لازم و قوی باشد تا به تمام اعضا و جوارح ما ایمان بدهد.

قلب مرکز قرار گیری ایمان و جایگاه ادراک و اراده انسان

آیت الله جاودان قلب را مرکز فراگیری ایمان و جایگاه فهم و ادراک انسان دانست و بیان کرد: یکی از اعضا و جوارح انسان قلب است، که می تواند جای ایمان باشد یا جای ایمان نباشد. با این قلب انسان عمل می کند. همینطور یک مرکز ادراک هم انسان دارد که مرکز اراده است. اما مرکز اراده من مغز نیست، هر چند مرکز ادراک است ولی جایگاه اراده نیست، آن قلب است که جایگاه ادراک و اراده انسان است. لذا جایی که ایمان جا می گیرد یا جا نمی گیرد همین قلب است.

وی ادامه داد: بنابراین قلب مرکزی است که فهم، ادراک و عمل انسان

از آنجا سرچشمه می گیرد و به عبارتی قلب امیر بدن انسان است و مدیر بدن انسان نیز هست.

فرق قلب با مغز در آموختن

این استاد حوزوی با اشاره به فرق قلب و مغز اشاره و گفت: من درس می خوانم با درس خواندن مغز را گر می کنم، حالا ممکن است مثلا فردی علم پزشکی را می خواند و در این علم پزشکی مضرات سیگار را هم خوب خوانده است، اما می بینیم این فرد که پزشک هم شده است اما سیگار می کشد. این فرد که مضرات سیگار را کاملا دقیق می داند، پس چرا سیگار می کشد؟ چون هر چیزی در این مدت تحصیل آموخته است، این آموخته های او در مغزش رفته است و اگر سرش ضربه ای بخورد یک چیزهایی را فراموش می کند.

قلب مرکز اصلی وجود انسان

آیت الله جاودان قلب را مرکز اصلی وجود انسان ها دانست و بیان کرد: اما مرکز اصلی وجود انسان قلب است، که شیطان هم دنبال تصرف کردن قلب انسان است، حال اگر شیطان قلب انسان را تسخیر کرد، مرکز مدیریت انسان را تسخیر کرده است و دیگر هر کاری می تواند انجام دهد.

وی ادامه داد: اما اگر بتوانیم این قلب را از شیطان خالی کنیم و شیطان را از قلب خود بیرون کنیم، اختیاردار خودمان می شویم. دیگر توان کنترل امیال خود را بدست می آورید، دیگر اگر زیباترین منازل و منظره های جلوی چشم شما بیاید، شما به آنها نگاه نمی کنید. و حتی به راحتی دیگر گناه نخواهید کرد.

سرچشمه همه امیال انسان از قلب

این استاد حوزوی مرکز سرچشمه امیال انسان را قلب دانست و گفت: همه امیال انسان از قلب سرچشمه می گیرد و از قلب دستوراتش صادر می شود و همه اعضا و جوارح انسان به آن دستور عمل می کنند و تمام این دستورات با نظر قلب است نه مغز.

تمام کوشش های علم اخلاق جهت حفظ قلب از شیطان

این استاد اخلاق شهر تهران تاکید کرد: همه کوشش هایی که در علم اخلاق به آن تاکید کرده اند، آن کوشش هایی است که قلب از دست دشمن خلاص شود. بنابراین قلب جای یک نفر است یا در قلب خدا یا شیطان

ساکن می شود و هدایت و کنترل انسان را بدست می گیرد.

علت حواس پرتی در نماز

آیت الله جاودان با مطرح کردن این سوال که چرا ما در نماز حواسمان پرت می شود، گفت: من در حال نماز خواندن هستم، اما چرا در نماز حواسم پرت شده است؟ من که نمی خواهم حواسم پرت شود، می خواهم ذهنم را کنترل کنم که حواسم پرت نشود اما نمی توانم.

وی ادامه داد: این حواس پرتی در نماز بستگی به این دارد که من در طول روز چقدر مراقب رفتارم بوده ام، چقدر چشم خود و دیگر اعضای بدنم را از کارهای نامربوط حفظ کرده ام و نگاه نامربوط نداشته ام. اما اگر کارهای گناه و نگاه گناه کرده باشم که اصلاً دیگر هیچ، نمازی نخواهم داشت.

انجام اعمال نامربوط در طول روز و حواس پرتی در نماز

این استاد اخلاق شهر تهران بیان کرد: حالا در طول روز گناه نکرده است اما عمل و نگاه نامربوط انجام داده است و این اعمال نامربوط باعث حواس پرتی او در نماز می شود.

وی ادامه داد: این اعمال نامربوط اصلاً چه هستند؟ مثلاً شما اجازه دارید حرف بزنید، اما حرفی که سودمند باشد، اما اگر سودمند نباشد، این حرف زدن نامربوط است. یا اینکه زیاده از آن مقداری که سیر می شوید، غذا می خورید، این لقمه های اضافه نامربوط است، و این نامربوط ها در نماز حواس پرتی می آورد.

تذکر آیت الله حق شناس از پرهیز نسبت به اسراف

این شاگرد مرحوم آیت الله حق شناس(ره) با نقل خاطره ای از استاد فقیدشان گفت: یک زمانی در جوانی خدمت آیت الله حاج آقا حق شناس(ره) در قم مشرف بودیم و سر سفره با دیگر دوستان نشسته بودیم که غذا بخوریم، من یک قاشق از غذا را به ایشان دادم تا ایشان بسم الله بگویند و تبرک شود، بعد بقیه دوستان هم می خواهند همین کار را انجام دهند، و برخی تتمه غذای ایشان را تبرک بخورند، که ایشان فرمودند: وقتی غذایتان را خوردید و سیر شدید، این یک لقمه اضافه اسراف است.

آیت الله جاودان به اعمالی که در قیامت حساب و کتاب ندارد اشاره و بیان کرد: یا اینکه شما دارید درس می خوانید، درس شما هم مفید

است. اما اگر در درس خواندن کم کاری کنید و کم بگذارید، مسئول هستید. پس در حال انجام دادن کاری هستید که مفید است و در این راه چشم و ذهن و فکر خود را صرف می کنید، و روز قیامت هم از شما درباره این درس خواندن سوال نمی شود، چون کار و عمل مفید و صحیحی بوده و سوال ندارد.

پاسخگویی اعمال نامربوط در قیامت

وی ادامه داد: اما اگر کار شما درست نباشد، علاوه بر اینکه در نماز حواس پرتی پیدا می کنید، در روز قیامت هم بابت انجام این کار بازخواست خواهید شد و آنجا باید جوابگو باشید. در این باره حرام را نمی گوید که حرام بحثش جدا است، درباره کار مطلوب و غیر مطلوب صحبت شد. حتی این یک لقمه اضافه که خورید را باید در قیامت جوابگو باشید.

رسیدن به تمرکز در نماز با مراقبه در طول روز

آیت الله جاودان به رابطه مراقبه اعمال در طول روز و رسیدن به نمازی بدون حواس پرتی اشاره و اظهار کرد: اگر در طی روز که در حال زندگی کردن هستیم، مواظب چشم باشیم که به این طرف و آن طرف نگاه نکنند و مراقب نگاه های خود باشیم، موقع نماز هم حواسم پرت نخواهد شد.

پرهیز از نگاه های نامربوط

این استاد اخلاق شهر تهران با تذکر اینکه مراقب نگاهتان باشید و نامربوط به جایی ننگرید، گفت: باید خیلی مراقب این نگاه ها خصوصا نگاه های نامربوط باشید. مثلا در روز دارید رانندگی می کنید، یک راننده هم باید جلو و عقب خود را نگاه کنند و ببینند، اما وقتی پشت چراغ قرمز ایستادید، دیگر حق ندارید به داخل ماشین بغلی نگاه کنید. این نگاه شما یک نگاه نامربوط است که علاوه بر پاسخگو بودن در قیامت با این کار باعث شدید در نماز هم تمرکز حواس نداشته باشید. **حالا اگر نگاه گناه باشد دیگر هیچ.**

وی ادامه داد: این نگاه های نامربوط و اعمال نامربوط انسان در طول روز موقع نماز خودش را نشان می دهد.

خفه کردن شیطان با مراقبه اعمال در طول روز

آیت الله جاودان شکست شیطان را نتیجه مراقبت اعمال در طول روز

دانست و گفت: اما اگر توانستید از ابتدای صبح تا ظهر همه رفتار و اعمال و نگاه های خودتان را کنترل و مراقبت کنید، حالا موقع ظهر و نماز ظهر شما اختیاردار ذهن و حواس خودتان هستید، و دیگر به مرکز دشمن غذا هم نمی رسانید و با این کارتان دشمن را هم خفه کردید.

وی افزود: اگر پای درخت آب نریزید به مرور درخت خشک می شود و فردا پژمرده و کم کم ریشه اش هم خشک می شود و از بین می رود، حالا اگر شیطان به مرکز فرماندهی شما حمله کرد و آن را تصرف کرد، شما به او غذا نرسانید تا مجبور به رفتن شود.

هیچ کس طلبکار خدا نیست/ عطا‌های الهی بر اساس فضل

آیت الله جاودان در بخش دیگری از سخنانش به فضل خدا اشاره و بیان کرد: هیچ کس در هیچ صورتی از خدا طلبکار نیست. فرض کنید من صد تا جان داشته ام و تمام آنها را در راه خدا داده ام و طلبکار هم نیستم. چون هر چون جان من هم از خداست و من از خودم هیچ ندارم، هر چند از طرفی خداوند تمام این طلب ها را هم می دهد اما ما طلبکار نیستیم و نمی توانیم باشیم.

وی ادامه داد: من از هر چیزی که در راه خدا گذشته ام، از خدا طلبکار نیستم و هر چه خدا به من می دهد از فضل اوست. آنهایی که در راه خدا زحمت می کشند و می کوشند آن فضل الهی نصیبشان می شود و باران فضل خدا بر سرشان می بارد.

این استاد حوزوی افزود: در دعای ماه شعبان عبارتی دارد که می فرماید به فضل احسانک. احسان جز فضل نیست اما عدل خدا چیزی است که مثلا کاری کردید که طبق عدلش او به شما داده است.

وی ادامه داد: اصلا جانی که داده اید مگر این جان مال خودتان بوده است، حتی پولی که انفاق کردید مگر این پول از خودتان بوده است، این سلامتی که دارید مگر از خودتان است، همه اینها را خدا به شما داده است و در اصل خود خدا مالک آنهاست.

این استاد حوزوی افزود: من دو رکعت نماز خوانده ام و خدا به اندازه ۲ رکعت نمازی که من خوانده ام به من ثواب می دهد، اما یک وقت خدا به فضلش به من ثواب می دهد، گاهی با ۲ رکعت نماز خدا بهشت را به من می دهد، این فضل خداوند است.

فضل خدا به حضرت ام البنین(س)

آیت الله جاودان با توجه به سالروز وفات حضرت ام البنین(س) به فضل خداوند نسبت به این بانوی بزرگوار اشاره و بیان کرد: امیرالمومنین(ع)، خانمی را برای ازدواج انتخاب کرده است، ایشان آمده در خانه حضرت و صاحب ۴ پسر شده است که این پسران این خانم از شجاعان و شهیدان کربلا هستند، و این فضل خدا به این خانم است.

وی ادامه داد: امیرالمومنین(ع) همسران دیگری هم داشته اما کسی آنها را نمی شناسد ولی حضرت ام البنین(س) شخصیت خاصی شده است و این فضل خداست.

این استاد تاریخ اسلام اظهار کرد: دیگر خانم هایی نیز در خانه امیرالمومنین(ع) بوده اند، و حضرت فرزندان دیگری هم داشته است اما به این مقام نرسیده اند، به طور نمونه محمد بن حنفیه هم فرزند امیرالمومنین(ع) است و مادرش هم مادر خوبی است، اما بعد از شهادت امام حسین(ع)، محمد بن حنفیه معتقد بود که بزرگ فرزندان امیرالمومنین(ع) است، پس امام بعدی خودش هست.

این شاگرد مرحوم علامه عسکری(ره) به جریان اثبات امامت حضرت سجاد(ع) برای عمویشان اشاره و گفت: حالا در مقابل ایشان حضرت زین العابدین(ع) است و او در سن جوانی است و محمد بن حنفیه پیرمرد و ریش سفید است که طبق ضوابط دنیوی باید محمد بن حنفیه بزرگ خاندان باشد.

وی ادامه داد: حضرت زین العابدین(ع) که شرایط را این چنین می بیند به عمویش می فرماید که عمو بیا به مکه برویم و سنگ حجر الاسود را حکم قرار دهیم و آن دو به مکه می روند و حضرت به عمویش می گوید شما درخواست خود را بگویید و محمد بن حنفیه به نماز می ایستد و دعا می خواند و از خدا می خواهد اگر امام بعد از امام حسین(ع) است، سنگ حجر الاسود به حرف بیاید و او را تایید کند، اما هیچ خبری نمی شود، بعد حضرت زین العابدین(ع) این کار را می کند و حجر الاسود سریع سخن می گوید و به امامت حضرت شهادت می دهد.

پدیدآورنده:

به قلم: امیر محسن سلطان احمدی

www.soltanahmadi.ir